

اصول حاکم بر برنامه‌داری درسی تعلیم و تربیت دینی

۱- محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومین صلوات الله علیهم

این اصل که برگرفته از مبانی تعلیم و تربیت دینی است، بر همه مراحل برنامه، به خصوص تعیین اولویت‌های آموزشی، اهداف کلی پایه‌های تحصیلی، روش‌های تعلیمی و تربیتی و تدوین محتوا و رسانه‌های آموزشی حاکم است.

۲- توجه به رویکردهای جدید در تعلیم و تربیت با هدف روزآمد شدن برنامه

شیوه‌های نو در تعلیم و تربیت، بر روش‌های فعال و مشارکتی در آموزش تأکید داشته و به دنبال ایجاد فرصت برای مشارکت دانش‌آموزان در امر یادگیری است. در این شیوه، معلم در واقع راهنما و راهبر است و این دانش‌آموزان هستند که با راهنمایی او، مفاهیم جدید را دریافت می‌کنند.

۳- توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌های رشد شناختی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

در برنامه جدید، با توجه به ویژگی‌های رشد ذهنی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، علاوه بر بهره‌گیری از محسوسات و نمونه‌های عینی، بر تربیت استعدادهای کودک برای شناختن اوضاع جهان خارج و مرتبط ساختن مطالب درسی با مظاهر زندگی و اشیای موجود در محیط خاص کودک تأکید شده است. برای بیان مفاهیم موجود در برنامه، از مفاهیم ساده و ملموس استفاده شده است مفاهیمی که دانش‌آموزان خود بتوانند با آنها ارتباط برقرار کرده، درکشان کنند و نسبت به آنها احساس خوشایند و دلپذیری داشته باشند. شایان ذکر است که تأکید بر آموزش محسوس و ملموس صرفاً روشی است برای تقویت ایمان به غیب، زیرا بذر ایمان به غیب در همین دوره در وجود کودک افشانه می‌شود.

۴- توجه به جنبه‌های عاطفی، نگرشی برای عمل کردن به باورها

آنچه بیش از هر چیز دیگری در تعلیم و تربیت دینی مورد نظر است، ایجاد نگرش‌های صحیح و یا تغییر برخی نگرش‌های نادرست است و اینکه دانش‌آموز براساس آموخته‌های خود بتواند به یک موضع و نظرگاه معین و ضرورتاً صحیح برسد و امکان انتخاب و تصمیم‌گیری را بیابد و در نهایت، از این رهگذر به ایمان و اعتقاد برسد. این ایمان و اعتقاد، مقدمه عمل آگاهانه و انتخاب شده است. بنابراین، در برنامه جدید، انباشتن ذهن دانش‌آموزان از مفاهیم و تأکید صرف بر مهارت‌هایی که تنها به درد امتحان می‌خورد و آنها را به هنگام ارزشیابی به ظاهر موفق جلوه می‌دهد، مدّ نظر نیست، در عوض، ادراک مفاهیم دینی به عنوان مقدمه‌ای برای رشد عاطفی و تغییر نگرش‌های دانش‌آموزان نسبت به آنها و انس با این مفاهیم مورد توجه قرار گرفته است. همچنین به «عمل صحیح» به عنوان حاصل تبعی «نگرش‌های صحیح» تأکید شده است.^۱

۵- اصالت قائل شدن به کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری و استفاده از روش آموزش فعال

آشنایی با معارف دینی، هدفی میانی و زیستن دینی انسان، هدف اصلی تربیت دینی است. از آنجا که مسائل زندگی انسان نامحدودند و هیچ‌گاه نمی‌توان همه آنها را آموزش داد، لازم است دانش‌آموختگان، فرایند یادگیری را به خوبی آموخته باشند تا در مواجهه با هر مسئله تازه‌ای، راه حل مناسب آن را پیدا کنند و جریان یادگیری را تداوم بخشند. بر این اساس، توصیه می‌شود که به فرایند یادگیری، بیش از پیش توجه شود؛ زیرا نه تنها نتیجه یادگیری اهمیت دارد؛ بلکه آنچه طی فرایند آموزش اتفاق می‌افتد، نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. ثمره این مبحث آن است که اولاً درگیری دانش‌آموزان در جریان یادگیری، موجب عمیق‌تر و پایدارتر شدن آموخته‌های آنان می‌شود؛ ثانیاً معلم را یاری می‌دهد تا برای ارزشیابی پیشرفت یادگیری آنان، هم به فرایند و هم به محصول توجه کند و به نتایج بهتری دست یابد؛ ثالثاً اینکه به واسطه فعالیت بیشتر در امر یادگیری، در دانش‌آموزان احساس خوب و خوشایندی ایجاد می‌کند که به ویژه برای درس دینی، فوق‌العاده حائز اهمیت است.

همچنین فراهم ساختن فرصت مشارکت فعال دانش‌آموزان در جریان آموزش و یادگیری بسیار مهم است؛ زیرا به دانش‌آموز کمک می‌کند تا حد امکان، خودش جست‌وجو، فکر و عمل کند و با توجه به تجارب و یافته‌های قبلی و فعلی خود، به نتیجه برسد و معلم هم با راهنمایی‌های مناسب، او را در این راه یاری رساند. به این ترتیب، به کارگیری روش‌های یادگیری از طریق همیاری (شرکت دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی به عنوان یکی از اعضای گروه) و بهره‌گیری از شیوه‌های فعال تدریس که از طریق آن، دانش‌آموزان با هدایت معلم و فعالیت ذهنی و عملی خود، به نتیجه می‌رسند، از راهبردهای اساسی فرایند یادگیری در تعلیم و تربیت دینی است.

۶- تقویت احساس نیاز به دین

برنامه درسی و آموزش‌های دینی باید به گونه‌ای طراحی شود که اصل احساس نیاز به دین را برای دانش‌آموز زنده کند؛ به گونه‌ای که دریابد بدون تکیه بر دین و اعتقادات دینی زندگی او خلأیی بزرگ دارد و از معنا و جهت تهی است؛ در حالی که زندگی توأم با دین، گره‌ها را می‌گشاید و از سردرگمی‌ها نجات می‌دهد و او را به شخصی فعال و هدفمند و مفید در زندگی تبدیل می‌کند.

۷- توجه به هنر برای ترسیم چهره زیبای الگوهای دینی

توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی از ارکان آموزش دینی است؛ زیرا در درجه اول، فطرت زیباپرست دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته و پرورش می‌یابد؛ دوم اینکه از دین و آموزه‌های آن، تصویری زیبا در ذهن آنان ترسیم می‌شود و سوم اینکه چهره زیبای الگوهای رفتاری و شخصیت‌پیشوایان بزرگ دینی در جان و اندیشه آنان نقش می‌بندد. با توجه به اهمیت الگوپذیری در این سن، استفاده از الگوهای صحیح با تأکید باید مورد توجه قرار گیرد تا زیبایی‌های دین و دین زیبا در سطحی کودکانه به دانش‌آموزان آموزش داده شود.

۸- توجه به زبان و ادبیات خاص کودکان

ادبیات کودکان آموزه‌های ارزنده‌ای را در اختیار برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از آنها بتوانند به زبان کودکان بیش از پیش نزدیک شده و کلام خود را با آنان هماهنگ کنند. در برنامه جدید نیز تا آنجا که به محتوا، اصالت مفاهیم و ساختار آموزشی مواد درسی لطمه وارد نشود، از آموزه‌های مربوط به ادبیات کودکان و محصولات کارشناسان این حیطه بهره گرفته شده است.

۹- ارتباط آموزش با نیاز و علاقه دانش‌آموزان و توجه به او به عنوان منبع اطلاعات برنامه درسی

هدف از تعلیم و تربیت دینی آن است که دانش‌آموزان از آموخته‌های خود، در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره استفاده کنند. به همین جهت در این برنامه سعی شده است تا آموزش‌ها با زندگی روزمره دانش‌آموزان کاملاً مرتبط باشند. استفاده از موقعیت‌ها و نمونه‌های موجود در زندگی روزمره دانش‌آموزان، انتخاب مطالب، نمونه‌ها و مثال‌ها از زندگی آنها، فراهم ساختن فرصت تمرین و تعمیم آموخته‌ها به زندگی روزمره و موقعیت‌های شبیه‌سازی شده آن و ... از جمله نکاتی است که در این مورد مطرح نظر قرار گرفته‌اند. همچنین از آنجا که کودکان، جست‌وجو، کشف و ساختن را دوست دارند، از بازی و فعالیت‌های نشاط آور و لذت می‌برند، در این برنامه، سعی شده تا این‌گونه علائق در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مورد توجه قرار گیرد.

۱۰- حضور اندیشه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در کالبد محتوای آموزش

اندیشه‌های امام خمینی که معمار بزرگ نظام اسلامی در عصر حاضرند، باید در همه مراحل آموزش و برنامه درسی حضور داشته باشد. استفاده از پیام‌ها، سخنرانی‌ها و کتاب‌های ایشان و آوردن مصادیق نمونه‌ها و شواهد از آنها و نیز ارجاع دانش‌آموز به این آثار در برنامه‌های تحقیقی خود، سبب توجه دانش‌آموزان به اندیشه‌های آن بزرگوار است.

۱۱- بهره‌مندی از دستاوردهای عالمان دین

در تدوین و تبیین آموزه‌های دینی، باید از منبع غنی علوم و فرهنگ اسلامی که فرزندان علم و تقوا در طول چند قرن تمدن اسلامی با مجاهدت خود فراهم ساخته‌اند، استفاده شود و دستاوردهای علمی که دانشمندان اسلامی معاصر در جهت ارائه اسلام ناب در جهان امروز عرضه کرده‌اند، به‌خصوص آثار فرهنگی حضرت امام خمینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری رحمه الله علیهم و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی فرا راه حرکت‌های آموزشی قرار گیرد.

۱۲- توجه به اهداف ویژه دختران و پسران

برنامه باید با توجه به تفاوت‌های موجود در احکام دختران و پسران طراحی شده و در اموری مانند سن بلوغ، معاشرت، پوشش و حجاب، نظام خانواده، نقش مرد و زن در خانه و جامعه، باید به نوع مخاطب و نحوه پیام‌رسانی به او توجه گردد. همچنین جنبه‌های روان‌شناختی زن و مرد در مجموعه آموزش‌ها باید مد نظر قرار گیرد.

۱۳- سمت‌گیری آموزش در جهت وحدت اسلامی

برنامه باید در جهت تقویت وحدت اسلامی و نزدیکی پیروان مذاهب مختلف اسلامی طراحی شود تا مودت و رحمت میان آنان را استحکام بخشد؛ به همین دلیل، شایسته است محور آموزش بر تعلیمات قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت بزرگوار ایشان قرار داده شود.

۱۴- آموزش اقلیت‌های دینی (مسیحی، یهودی و زرتشتی)

چون همه ادیان الهی در اصول دین و جوهره و حقیقت دین که خداگرایی و معنویت‌گرایی و عمل برای سعادت در آخرت است، وحدت نظر دارند، چارچوب کلی برنامه درسی آنان از همین برنامه اخذ می‌شود. اما محتوای آموزشی آنان با توجه به تعلیمات خاص آن ادیان و با استفاده از منابع مورد تأیید در آن ادیان، فراهم می‌آید. این آموزش باید هماهنگ با قوانین جمهوری اسلامی ایران باشد.